



پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد
در رشته ی تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت
مجتمع علوم انسانی
گروه علمی علوم تربیتی

عنوان:

مطالعه ی نقش و جایگاه فلسفه ی تعلیم و تربیت در نوآوری های آموزشی کارگزاران تربیتی

استاد راهنما:

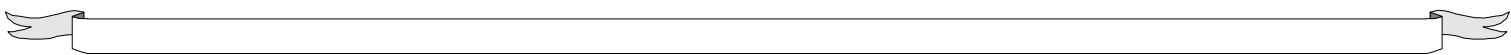
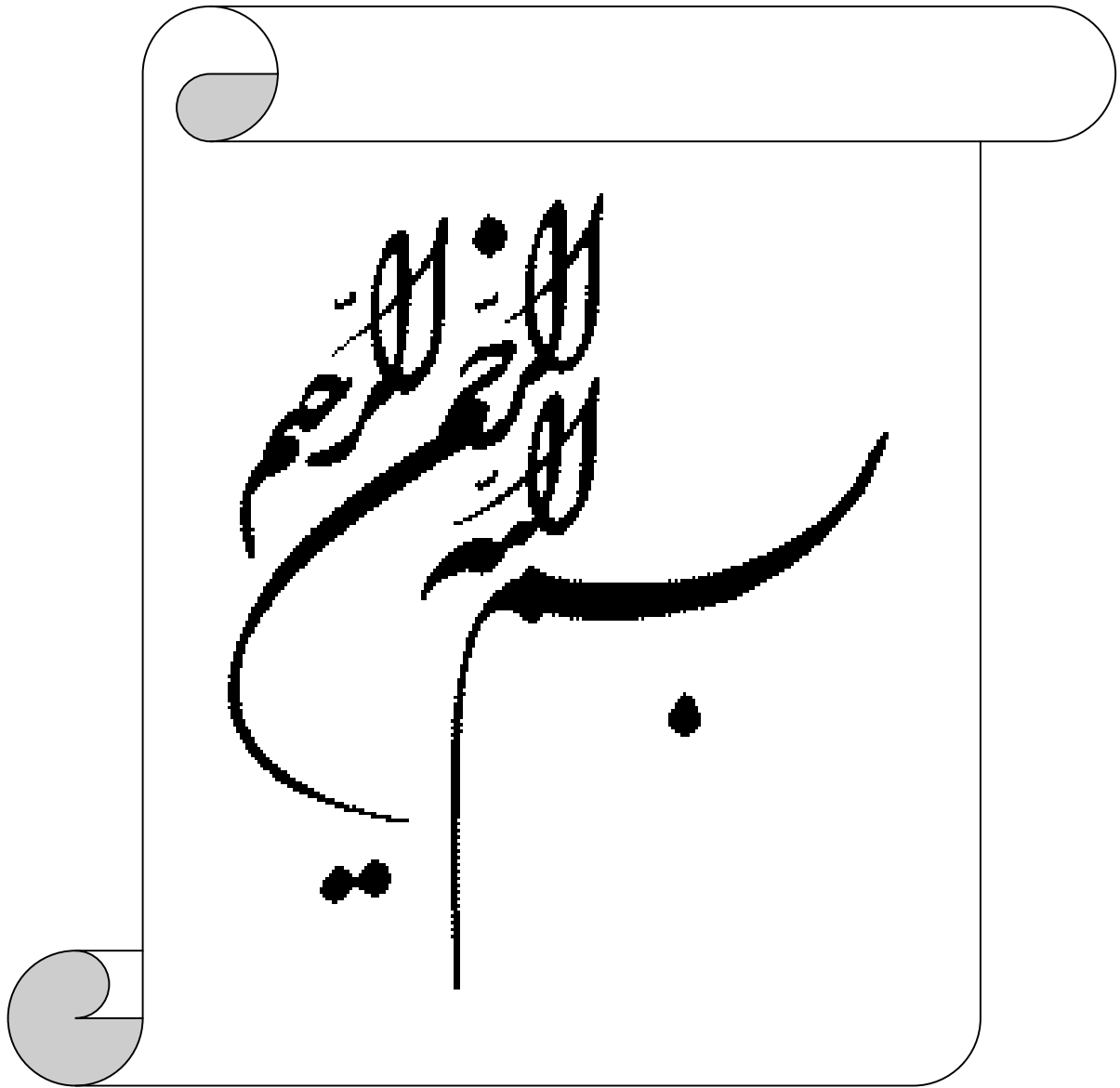
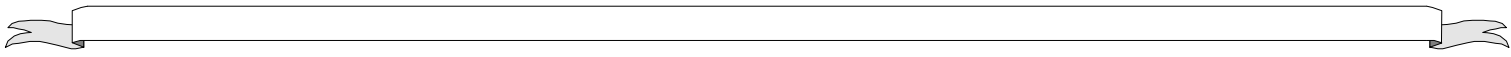
جناب آقای دکتر محمد حسنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بهمن زندی

نگارش: محمود محمدی

۱۳۸۹ بهمن





جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران

شماره
تاریخ
پیوست

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی تحت عنوان:
" مطالعه نقش و جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در نوآوری های آموزشی
کارگزاران تربیتی "

شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۶۶۳۲

نام و نام خانوادگی: محمود محمدی

شماره پروژه: ۵۲۳۱

ساعت: ۱۵-۱۳/۳۰

تاریخ دفاع: ۸۹/۱۱/۲۳

درجه ارزشیابی: عالی

نمره: ۱۹.۲۸

هیات داوران:

امضاء	مراتبه علمی	نام و نام خانوادگی	داوران
	استاد	اقای دکتر محمد حسینی	استاد راهنما
	استاد	دکتر بهمن زندی	استاد مشاور
	استاد	دکتر محمد هاشم رضایی	استاد داور
	استاد	دکتر سید محمد شبیری	استاد داور

تهران، خیابان کریم خان زند،
خیابان ایرانشهر، کوچه
نوشهر، پلاک ۳۳
تلفن: ۸۸۴۹۱۰۵۷-۶۳
دورنگار: ۸۸۴۹۱۰۶۴
www.tpnu.ac.ir
info@tpnu.ac.ir

تقدیم به

همسر مهربانم

و فرزندانم

عرفان و آسان

سپاس‌گزاری

پژوهش حاضر، حاصل راهنمایی‌های ارزنده‌ی جناب آقای دکتر محمد حسنی (استاد محترم راهنما) و جناب آقای دکتر بهمن زندی (استاد محترم مشاور) می‌باشد. لازم می‌دانم از همکاری‌ها و راهنمایی‌های این اساتید محترم، قدردانی و سپاس‌گزاری نمایم. از اساتید و داوران محترم، جناب آقای دکتر شیرینی و جناب آقای دکتر رضایی، که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده داشتند، نیز تشکر می‌گردد، چرا که نظرات ایشان در جهت رفع اشکالات، مثمر‌ثمر بوده است.

بی‌گمان بدون صبر و حوصله‌ی همسر عزیزم، و بدون همکاری‌های برخی دوستان - از جمله آقای دکتر محمد حسین حسنی که در ساختار کلی و روش تحقیق از ایشان بهره‌برده‌ام و نیز آقای حمید محمدی و خانم سمیه آدی‌نژاد که امور اجرایی و اداری پایان‌نامه را عهده‌دار بودند - این پژوهش قابل‌انجام نبود. از ایشان نیز تقدیر و تشکر می‌کنم.

محمود محمدی

چکیده:

پژوهش حاضر، با موضوع کلی « مطالعه ی نقش و جایگاه فلسفه ی تعلیم و تربیت در نوآوری های آموزشی کارگزاران تربیتی » انجام یافته است. در این پژوهش، با توجه به موضوع مورد بررسی، از روش اسنادی (کتابخانه ای) استفاده شده و نوع پژوهش (از نظر کنترل شرایط) توصیفی و از لحاظ هدف تحقیق بنیادی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات، فیش های برگرفته از اسناد و مدارک فلسفی و تحلیلی می باشد. با توجه به موضوع و روش تحقیق، جامعه آماری صرفاً کلیه منابع و اسناد مورد مطالعه می باشد. روش تجزیه و تحلیل نیز استنتاجی از نوع پیش رونده است.

از آن جهت که فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دلالت های تربیتی نظریه های فلسفی می تواند برای حل مسائل تربیتی تجویزهایی ارائه نماید و برای تکمیل و توسعه نظام آموزشی توصیه هایی عرضه کند. لذا در این تحقیق ضرورت داشت که جایگاه و دلالت های فلسفه تعلیم و تربیت در نوآوری های آموزشی بررسی و تحلیل گردد

در این تحقیق، پنج مکتب فلسفی عمل گرایی، هستی گرایی، انتقادی، فرانویگرایی و اسلام (نظرات تربیتی ملا صدرا) جهت بررسی و تحلیل انتخاب شد. این مکاتب از نظر معرفت شناسی و انسان شناسی مورد بررسی قرار گرفته اند. در بخش مبانی نظری، ابتدا به خلاقیت و نوآوری آموزشی اشاره گردید، سپس ویژگی های افراد و معلمان خلاق و نوآور از نظر اندیشمندان بررسی شد و از بین همه ی ویژگی های بررسی شده، به طور خلاصه ده مورد انتخاب شد. در بخش های بعدی، از مکاتب منتخب که از لحاظ معرفت شناسی و انسان شناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، دلالت های تربیتی و ویژگی های معلمان مطلوب آن ها استخراج گردید. سپس در فصل چهارم، این دلالت ها و ویژگی ها، مورد بررسی و نتیجه گیری قرار گرفته و به سؤالات پژوهش، پاسخ داده شد.

نتایج به دست آمده نشان داد که، هر یک از مکاتب مورد نظر، دلالت های تربیتی خاصی داشته و برای معلمان یا همان کارگزاران نظام تعلیم و تربیت، ویژگی های به خصوصی پیشنهاد و ارائه کرده اند. این ویژگی ها با ویژگی های عمومی افراد و معلمان خلاق و نوآور، انطباق بیشتری داشت، بنابراین با توجه به موضوع پژوهش، نظریه های تربیتی مکاتب فلسفی مختلف، در نوآوری های آموزشی دست اندرکاران و کارگزاران نظام آموزشی (اعم از مدیران، معلمان، دانش آموزان، کارشناسان، محققان و افراد دیگر) نقش و جایگاه ویژه ای دارند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۰.....	چکیده.....
۱.....	فصل اول: کلیات
۲.....	مقدمه.....
۲.....	بیان مسأله.....
۴.....	اهداف تحقیق.....
۴.....	ضرورت انجام تحقیق.....
۵.....	سؤالات تحقیق.....
۶.....	تعاریف نظری متغیرها.....
۷.....	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق
۸.....	مقدمه.....
۸.....	مبانی نظری.....
۸.....	خلاقیت.....
۱۱.....	عناصر اساسی خلاقیت.....
۱۱.....	سطوح خلاقیت.....
۱۲.....	نوآوری.....
۱۲.....	چهارچوب نوآوری.....
۱۴.....	تفاوت خلاقیت و نوآوری.....

۱۵.....	پیشینه خلاقیت و نوآوری
۱۶.....	نقش و اهمیت خلاقیت و نوآوری
۱۷.....	نوآوری آموزشی
۱۹.....	فرایند نوآوری آموزشی
۲۰.....	ویژگی های معلمان خلاق و نوآور
۲۴.....	فلسفه ی تعلیم و تربیت
۲۷.....	حوزه های فلسفه ی تعلیم و تربیت
۲۹.....	مکاتب و فلسفه های تربیتی منتخب
۲۹.....	فلسفه تربیتی عمل گرایی (پراگماتیسم)
۲۸.....	فلسفه تربیتی هستی گرایی (اگزیستانسیالیسم)
۴۶.....	نظریه تربیتی انتقادی (مکتب فرانکفورت).
۵۴.....	نظریه تربیتی فرانوگرایی (پست مدرنیسم)
۶۳.....	فلسفه تربیتی اسلام (مبتنی بر فلسفه صدرایی)
۷۸.....	پیشینه ی تحقیق
۸۱.....	فصل سوم: روش شناسی
۸۲.....	مقدمه
۸۲.....	روش پژوهش
۸۲.....	روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۸۳.....	جامعه ی آماری و تعداد نمونه
۸۳.....	روش نمونه گیری
۸۳.....	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم: مقایسه ویژگی های معلمان مکاتب با ویژگی های معلمان نوآور ۸۴

مقدمه ۸۵

پاسخ سؤال ۱ ۸۵

پاسخ سؤال ۲ ۸۶

پاسخ سؤال ۳ ۸۶

پاسخ سؤال ۴ ۸۷

پاسخ سؤال ۵ ۸۸

پاسخ سؤال ۶ ۹۰

پاسخ سؤال ۷ ۱۰۵

فصل پنجم: جمع بندی، پیشنهادها و راهبردها ۱۱۰

مقدمه و جمع بندی ۱۱۱

پیشنهادها و راهبردها ۱۱۲

پیشنهادهای عملی ۱۱۳

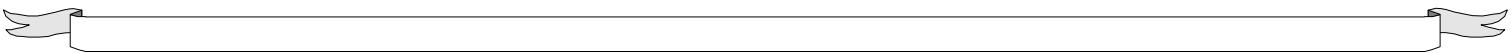
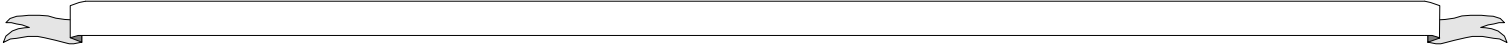
پیشنهاد های علمی ۱۱۵

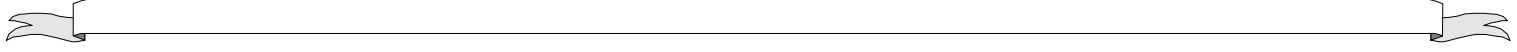
محدودیت های تحقیق ۱۱۶

منابع و مآخذ ۱۱۷

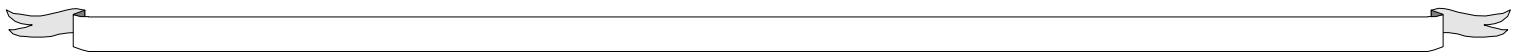
منابع فارسی ۱۱۷

منابع انگلیسی ۱۲۰





فصل اول



مقدمه

امروزه تعلیم و تربیت یک نیاز اساسی تلقی می‌شود. چرا که موجب رشد و پیشرفت انسان‌هاست. همان‌طور که کانت در رساله واکنش به تعلیم و تربیت گفته: «تعلیم و تربیت مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است.» (علم‌الهدی به نقل از مورن، ۱۳۸۶: ۷) از این رو برخی معتقدند «تعلیم و تربیت: جدلی‌ترین، متغیرترین، پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین علوم است.» (همان: ۷) اصلی‌ترین موضوع این پژوهش نیز، تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیتی که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و تحقیق می‌باشد. از طرف دیگر اندیشمندان علوم تربیتی اعتقاد دارند که علوم انسانی بر بستری از نظریه‌های فلسفی رشد می‌کند و هر نوع تحقیق در زمینه‌های علوم تربیتی و آموزشی، متضمن برداشتی درباره انسان و عملکرد اوست. از این رو در این پژوهش، عملکرد نوآورانه افراد عرصه‌ی آموزش از منظر فلسفه تعلیم و تربیت بررسی می‌گردد. یعنی دلالت‌های فلسفه‌های مختلف تعلیم و تربیت در نوآوری‌های کارگزاران تربیتی نظام‌های آموزشی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بیان مسأله

فلسفه روش درست اندیشیدن، درست کار کردن و درست زیستن است. «کوشش برای گسترش خصوصیات روح فلسفی در میان شاگردان هدف اساسی تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد. جامعیت در فکر یا به عبارت دیگر گسترش دادن دایره فهم در برخورد با مسائل مختلف و تعمق درباره این مسائل و انعطاف‌پذیری افکار و عقاید باید مورد توجه مریبان باشد» (شریعتمداری، ۱۳۷۷: ۱۱۵) پس گسترش در تفکر و تعمق در فرایند تعلیم و تربیت، به وسیله فلسفه به ویژه فلسفه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر خواهد شد. باقری (۱۳۸۶) معتقد است: «نقش فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در بررسی عمل تعلیم و تربیتی، به صورت غیر مستقیم از طریق مفاهیم ناظر به آن‌ها صورت می‌گیرد» توجه به اندیشه‌های فلسفی ما را از درستی یافته‌های محققان و انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌های نظام تربیتی مطمئن‌تر می‌سازد. همان‌گونه که «شکل بخشیدن به زندگی فردی و اجتماعی شاگردان مستلزم داشتن پشتوانه فلسفی و تلفیق هنرمندانه نظریه با عمل است.» (ابراهیم زاده، ۱۳۸۶: ۶)

عصر حاضر عصر ارتباطات، اطلاعات، تحولات و تغییرات می‌باشد، «این تحولات، پیامدهایی نیز در آموزش و پرورش دارد، نظام آموزشی برای هماهنگی با این دگرگونی‌ها و مواجهه با چالش‌های برآمده از آن‌ها، نیازمند نوآوری و تغییر است.» (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۱) نوآوری آموزشی جریانی پویا و

برخورد انتقادی و اصلاحی با وضع موجود شرایط شغلی آموزشی می باشد که منجر به کشف راه کارهای بهتر و کامل تر برای مقابله با مسائل و مشکلات حوزه تربیتی می شود. همچنین هر نوع اصلاح و نوآوری آموزشی درگرو عقلانیت، تفکر منطقی و فلسفی می باشد.

به نظر می آید تربیت و نوآوری در مدیریت کانون اصلی تربیت، یعنی جریان یاددهی - یادگیری نیز قطعاً نیاز به هدایت نگرش یا تفکری فلسفی دارد و تجربه های صرف کفایت نمی کند. مارتین^۱ (۱۹۶۷) در مقاله نوآوری های جامع خاطر نشان می سازد که این نوآوری ها تنها با توجه به دیدگاه های فلسفی حاصل می آیند. به اعتقاد لطف آبادی و نوروزی (۱۳۸۵): نوآوری آموزشی و تربیتی در درجه اول به فلسفه تعلیم و تربیت و نظام ارزش های زندگی در ایران و در جهان معاصر و چشم انداز آینده مربوط می شود.

پژوهش حاضر، به دنبال بررسی چگونگی حمایت فلسفه های تربیتی از رفتار نوآورانه کارگزاران تربیتی است به سخن دیگر در تعریف نقش و جایگاه کارگزاران (مدیران، معلمان و کارشناسان) تا چه حد انتظار کنش نوآورانه از آن ها وجود دارد؟ امکان ارتباط دادن نوآوری های آموزشی به اصول و نظریه های فلسفی کم تر است ولی با توجه به موارد مذکور و پژوهش های انجام شده، که به اهمیت و نقش فلسفه تعلیم و تربیت و تفکر عقلانی در حل مسائل و نوآوری های آموزشی اشاره نمودند، می توان کنش کارگزاران تربیتی مثل معلم را با توجه به ویژگی های او بررسی نموده و نقش فلسفه های تربیتی را نسبت به این کنش نوآورانه مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش با توجه به تنوع و گستردگی مکاتب و نظریه های فلسفی، مکاتب، فلسفه ها و نظریه های جدیدتری مورد مطالعه و تحلیل قرار می گیرد. چرا که «فلسفه جدید آموزش و پرورش برخلاف فلسفه های تربیتی قدیم تنها نظریه ای درباره هدف ها و وسایل یا اکتفا به یکی از آن ها نیست، بلکه هدف ها و وسایل را به هم مربوط می داند تا وسیله و ابزار فعالی باشد که مردم را در مواجهه با شرایط و اوضاع متغیر زمان معاصر، کمک و راهنمایی کند.» (شعاری نژاد، ۱۳۸۶: ۲۵۱) همچنین در این پژوهش به مبانی فلسفی «نوآوری» به ویژه «نوآوری های آموزشی» پرداخته می شود و سطوح مختلف بروز «نوآوری های آموزشی» اعم از کارگزاران، مدیران، معلمان، دانش آموزان، کارشناسان، محققان و غیره مورد نظر است. که البته در مطالعه و بررسی این پژوهش، بیشتر تأکید بر معلمان است.

^۱-Martin,W,B

اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش عبارت است از:

بررسی دلالت های تربیتی مکاتب فلسفی در رفتار نوآوران ی کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی

هدف کلی پژوهش به چند هدف جزئی تقسیم می شود که عبارتند از:

- بررسی دلالت های فلسفه ی تربیتی **عملگرایی** در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی
- بررسی دلالت های فلسفه ی تربیتی **هستی گرایی** در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی
- بررسی دلالت های نظریه ی تربیتی **انتقادی** در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی
- بررسی دلالت های نظریه ی تربیتی **فرانوگرایی** در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی
- بررسی دلالت های فلسفه ی تربیتی **اسلام (فلسفه صدرایی)** در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی

+ مقایسه دلالت های مکاتب تربیتی در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) با یکدیگر

+ مقایسه هر یک از دلالت های فلسفه های تربیتی در رفتار نوآوران کارگزاران (معلمان) با ویژگی

های عمومی معلمان خلاق و نوآور

ضرورت تحقیق

گسترش آموزش و دسترسی طبقات مختلف به آن، یکی از اهداف مهم کشورهای مختلف و در حال تحول می باشد، همچنین تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تقاضای آموزش را رشد وسیعی داده است. در حالی که برنامه ریزی، طراحی و اجرای فرایند یاددهی - یادگیری مستلزم نوآوری می باشد به دلیل این که تجربه ثابت کرده است، بدون نوآوری، آموزش یا یادگیری تحقق تام نخواهد یافت و تحقق صرفاً سنتی، ثابت و نامتغیر این فرایندها، سست، ناپایدار و کسالت آور خواهد بود. و از آن جا که نوآوری و خلاقیت زیباترین و شگفت انگیزترین ویژگی انسان است؛ غنا، پویایی و بقای هر فرهنگ و تمدنی به خلاقیت مردمان آن بستگی دارد و این واقعیت را تاریخ بارها به اثبات رسانده است.

«فلسفه تعلیم و تربیت که متضمن مباحثات فلسفی در قلمرو تعلیم و تربیت است، به مسائل و موضوعات تربیتی از دید فلسفی می نگرند و بر پایه اصول فلسفی یک مکتب یا دستگاه فلسفی، آن ها

را تبیین می کند. همچنین فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس دلالت های تربیتی نظریه های فلسفی می تواند برای حل مسائل تربیتی تجویزهایی ارائه نماید و برای تکمیل و توسعه نظام آموزشی توصیه هایی عرضه کند.» (علم الهدی، ۱۳۸۶: ۷)

از این رو ضرورت دارد جایگاه و دلالت های فلسفه تعلیم و تربیت در نوآوری های آموزشی بررسی و تحلیل گردد، لذا تحقیق حاضر می تواند در توجیه مبانی فلسفه تعلیم و تربیت نوآوری های آموزشی مؤثر بوده و ابعاد فلسفی مختلف مؤثر بر نوآوری را روشن نماید.

سوالات تحقیق

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: دلالت های فلسفه های مختلف تعلیم و تربیت در نوآوری های کارگزاران تربیتی (معلمان) نظام آموزشی چیست؟ در این پژوهش دلالت های تربیتی پنج مکتب و نظریه های فلسفی - عملگرایی، اگزیستانسیالیسم، انتقادی، پست مدرنیسم و اسلام - نسبت به نوآوری های کارگزاران آموزشی، مطالعه و تحلیل می شود. لذا سؤال اصلی تحقیق، به صورت هفت سؤال فرعی ذیل تقسیم می گردد:

۱. دلالت های فلسفه ی تربیتی عمل گرایی (پراگماتیسم) در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی چیست؟
۲. دلالت های فلسفه ی تربیتی هستی گرایی (اگزیستانسیالیسم) در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی چیست؟
۳. دلالت های نظریه ی تربیتی انتقادی (مکتب فرانکفورت) در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی چیست؟
۴. دلالت های نظریه ی تربیتی فرانوگرایی (پست مدرنیسم) در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی چیست؟
۵. دلالت های فلسفه ی تربیتی اسلام (مبتنی بر فلسفه صدرایی) در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) نظام آموزشی چیست؟
۶. دلالت های مکاتب تربیتی در رفتار نوآورانه ی کارگزاران (معلمان) با یکدیگر، چه تفاوت ها و شباهت هایی دارند؟
۷. وجه تفاوت و شباهت دلالت های فلسفه های تربیتی در رفتار نوآورانه کارگزاران (معلمان) با ویژگی های عمومی افراد و معلمان خلاق و نوآور، کدامند؟

تعاریف نظری مفاهیم

تعریف مفهومی^۲:

الف - فلسفه تعلیم تربیت:

علم الهدی (۱۳۸۶) معتقد است: فلسفه تعلیم و تربیت از منظر فلسفی، مسائل و معضلات تربیتی را بررسی می کند.

ب - نوآوری:

استونر و فریمن^۳ نوآوری را عبارت از ایجاد، پذیرش و اجرای ایده ها، فرایندها، محصولات یا خدمات جدید تعریف کرده اند.

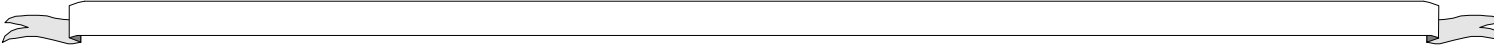
ج - نوآوری های آموزشی:

ماهان^۴ (۱۹۷۵) عقیده دارد که ابتکار و نوآوری نه تنها شامل مواد، تجهیزات، صرفه جویی زمانی و سازماندهی مجدد سازمان می شود بلکه شامل تغییرات رفتاری معلمان و دانش آموزان نیز می شود.

^۲ -Conceptual definition

^۳ - Stoner & Freeman

^۴ -Mahan.J.M



فصل دوم



مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مقدمه

در این فصل، ابتدا مبانی نظری پژوهش می آید، در این بخش، نوآوری آموزشی مورد بحث قرار گرفته و مکاتب و فلسفه های مختلف بررسی می گردد؛ سپس دلالت های تربیتی هر یک از مکاتب با توجه به معلم نوآور استخراج می شود. در بخش بعدی این فصل، پیشینه ی پژوهش حاضر بررسی می شود. البته بیشتر تحقیقات انجام یافته یا در حوزه فلسفه ی آموزش و پرورش هستند و یا پیرامون نوآوری، و هم زمان به هر دو موضوع کمتر پرداخته شده است و یا به دلالت های مکاتب مختلف بر نوآوری اشاره نگردیده است. لذا در این قسمت به پژوهش های نزدیک به موضوع اشاره گردیده است.

مبانی نظری تحقیق

مقدمه

با شروع و انجام این پژوهش، تلاش بر این است تا جایگاه و نقش فلسفه تعلیم تربیت را در نوآوری های آموزشی بررسی و تحلیل نمایم. با توجه به اعتقادات متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت و علوم تربیتی می توان ریشه های فلسفی نوآوری ها و تحولات آموزشی را ذکر و تحلیل نمود. در این فصل ابتدا در مورد خلاقیت و نوآوری و نوآوری های آموزشی بحث می گردد سپس با استفاده از نظرات صاحب نظران، ویژگی های معلمان نوآور و خلاق، تحلیل و توصیف می گردد. در مرحله ی اصلی این بخش مکاتب مورد نظر بررسی شده و دلالت های تربیتی مورد بحث قرار می گیرد و استدلال می شود که این نظریات تا چه حد به نوآوری های معلمان اشاره دارند.

خلاقیت^۹

علم و دانش که ما شاهد تغییر و گسترش روز افزون آن هستیم، بوسیله افراد خلاق، مبتکر و نوآور و با تلاش و کوشش آنان، در حل مسائل مختلف به رشد خود می رسد. بنابراین یکی از عناصر مهم در جهت بسط و گسترش علم و دانش و بهتر زیستن، خلاقیت و نوآوری است که سراسر نظام تعلیم و تربیت، باید به سمت رشد و تعالی آن جهت گیرد. «وقتی کارکنان در کارشان خلاق باشند قادر خواهند بود ایده های تازه و مفیدی در مورد محصولات، عملکردها، خدمات، یا رویه های سازمان ارائه و بکار گیرند.» (قربان پناه به نقل از اولدهام، ۱۳۸۸)

^۹ - Creativity

خلاقیت واژه ای عربی است که ریشه آن «خلق» به معنی آفریدن است. در لغت نامه ی دهخدا خلاقیت خلق کردن و به وجود آوردن آمده است و خلاق شخصی است که دارای عقاید نو باشد. خلاقیت و مشتقات آن در واژه انگلیسی عبارت از موارد زیر است:

Create: به معنی «خلق کردن یا بوجود آوردن» است.

Creation: به معنی «عمل خلق کردن یا عمل ساختن» است.

Creative: به معنی «داشتن نیرو و توانایی خلق کردن» است. (قربان پناه، ۱۳۸۸)

دانشمندان خلاقیت را با تعابیر متعددی بیان نموده اند به طوری که هر تعریفی بیانگر یکی از ابعاد مهم فراگرد خلاقیت است. در این قسمت، صرفاً به برخی از این تعاریف اشاره می گردد:

«خلاقیت قدرت و توانایی ایجاد و خلق مفاهیم جدید یا به کارگیری آن در شکل جدید از طریق مهارت های ذهنی است.» (وبستر، ۲۰۰۳) (به نقل از علی یاری، ۱۳۸۶) استرنبرگ^۶ (۱۹۹۱) (همان، ۱۳۸۶) خلاقیت را نماد یک فکر نو و متفاوت می داند. و بالآخره خلاقیت از نظر پیر خایفی (۱۳۸۴) به معنای خلق و آفریدن بوده و به افکار، رفتار یا محصولات نو و منحصر به فرد نیز اشاره می کند

« برخی از تعاریف خلاقیت، ویژگی های افراد خلاق را محور قرار داده اند. به عنوان مثال: گیل فورد خلاقیت را مجموعه ای از توانایی ها و خصیصه هایی می داند که موجب تفکر خلاق می شود. گروهی دیگر بر اساس فرایند خلاق، خلاقیت را تبیین کرده اند. مثلاً تورنس خلاقیت را فرایند حس کردن مشکلات، مسائل، شکاف در اطلاعات عناصر گم شده، حدس زدن ها و تدوین فرضیه درباره این نواقص و آزمودن این حدس ها و احتمالاً تجدید نظر آن ها و سرانجام انتقال نتایج تعریف کرده است» (سام خانیان، ۱۳۸۷)

فرهنگ روانشناسی پنگوئن، خلاقیت را فرایندهای ذهنی می داند که به راه حل ها، ایده ها، به تصور در آوردن اشکال هنری، تئوری ها یا محصولات نو و بی مانند منتهی می گردد. (همان: ۱۶) از نظر گزلین (۱۹۵۲): خلاقیت همان فرآیند تغییر و تکامل است که در حیات ذهنی ما رخ می دهد. در این تعریف بر خلاقیت به عنوان فرآیند تاکید شده است و خلاقیت مترادف با تغییر و تکامل می باشد. ایراد این تعریف (یکی گرفتن خلاقیت و تغییر) این است که هر خلاقیتی باعث تغییر شده اما هر تغییری خلاقیت نیست. به عنوان مثال: اگر شخصی محصول یا خدمت جدیدی تولید نماید این خود حاصل خلاقیت می باشد که منجر به تغییرات و تحولات درون سازمانی و برون سازمانی می شود. اما

^۶ - Sterenberg

چنانچه سازمانی با تقلید از سازمانهای دیگر اقدام به تولید و کپی برداری نماید هر چند این محصول باعث تغییر و تحولاتی می شود ولی محصول خلاق و حاصل خلاقیت نمی باشد. همچنین گانیه می گوید: خلاقیت نوع ویژه ای از حل مسأله است. و بالآخره ورنون معتقد است خلاقیت توانایی شخص در ایجاد ایده ها، نظریه ها، بینش ها، اشیای جدید و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه ها است که از نظر محققان، ابتکاری و از لحاظ علمی، زیباشناسی، فن آوری و اجتماعی با ارزش قلمداد گردد.

خلاقیت در واقع مجموع عوامل شخصی، فرایند و محصول است که در یک محیط اجتماعی در تعاملند. هسته اصلی یا عامل مشترک در همه تعاریف مربوط به خلاقیت « ایجاد چیز جدید و با ارزش است». بنابراین می توان گفت: «خلاقیت به معنای خلق کردن چیزی تازه و منحصر به فرد است که به گونه ای مناسب و مفید موجب حل یک مسأله، سؤال یا نیاز علمی، صنعتی و یا اجتماعی شود.» (پیرخایفی، ۱۳۸۴) آن چه در ایجاد چیز جدید یا طرح نو و به طور کلی در فرایند خلاقیت اهمیت دارد، تفکر است.

بیشتر تعاریف مذکور، نشان می دهند که خلاقیت دربرگیرنده موارد زیر است:

* توانایی دیدن چیزها به طرز نو

* آموختن از تجارب قبلی و ارتباط دادن این یادگیری به موقعیت های تازه

* تفکری انعطاف پذیر و شکستن محدودیت ها

* استفاده از روش های غیر سنتی برای حل مشکلات

* فراتر از اطلاعات گام برداشتن

* آفریدن چیزی منحصر به فرد یا اصیل

عناصر اساسی خلاقیت

در رویکردی تطبیقی و جامع، عناصر اساسی خلاقیت را می توان به شرح ذیل دانست: